

بازهم غلامرضا رشید یاسمی

مترجمی که مطالب کتاب اصلی را «درخور حذف» می داند!

عبدالنبی قییم

چندسال پیش یادداشتی تحت عنوان " خیانت در امانت به منظور کینه توزی و تحقیر " نوشتم (یادداشت در سایت بنده و در کانال تلگرام موجود است)، و در آن نشان دادم چگونه رشید یاسمی کلمات " وحشی و بی تمدن " را از خود به ترجمه فارسی افزوده و همچنین "روحیه جنگجویی" را روحیه غارتگری ترجمه کرده است. از آنجا که این یادداشت مورد توجه خیلی ها قرار گرفت و چندین و چندبار در فضای مجازی بازنشر شد، و با عنایت به درخواست مکرر خوانندگان ، نمونه دیگری از رویه ایشان ارائه می شود.

قبل از هرچیز بیان این مطلب ضروری است که رشید یاسمی یک تاریخ نویس درباری بود، او یکی از افرادی بود که در تقویت ایدئولوژی ناسیونالیستی و شوونیستی حکومت رضاشاه نقش داشت. حبیب یغمایی درباره او می نویسد: " در اوائل سلطنت رضاشاه پهلوی، چون کلاه پهلوی معمول شد، رشید، که در خدمت دفتری دربار بود، در نخستین وهله، کلاه پهلوی بر سر نهاد. " (یغمایی، " از یادداشت های یک استاد "، ص 329). وحید نیز همین سخن را تأیید کرده و می نویسد: " او در دبیرخانه سلطنتی به خدمت مشغول بود. " (وحید، "غلامرضا رشید یاسمی"، ص 392). رشید یاسمی آنچنان مورد تأیید رضاشاه بود که در سال 1312 برای فراهم نمودن مراسم نامزدی و ازدواج ملکه فوزیه، دختر ملک فؤاد با محمدرضا پهلوی به همراه سه نفر دیگر به مصر رفت ((احمد نیکو همت، "رشید یاسمی"، ص 325). او یکی از مؤلفان کتاب های درسی در عهد رضاشاه بود، در آن کتاب از برتری نژادی هم سخن گفته است. در جای خود درباره آن ها سخن خواهیم گفت.

اما درباره ترجمه کتاب "ایران در زمان ساسانیان" تألیف آرتور کریستن سن، اولاً رشید یاسمی عنوان کتاب را تغییر داده است. عنوان کتاب "شاهنشاهی ساسانیان" است و هیچ جای کتاب هم نیامده که تغییر عنوان کتاب با اجازه مؤلف بوده است. در مقدمه چاپ اول کتاب که توسط کریستن سن نوشته شده، او نام کتاب خود را "شاهنشاهی ساسانیان" نوشته است (ص شانزده). اما در مقدمه چاپ دوم نام کتاب " ایران در زمان ساسانیان " می شود (ص نوزده). به احتمال زیاد در این صفحه رشید یاسمی نوشته کریستن سن را به میل خود تغییر داده است. با وجود این اظهار نظر قاطع در این خصوص فقط پس از رؤیت نسخه اصلی به زبان فرانسه ممکن است.

تغییر عنوان کتاب در ترجمه فقط با اجازه مؤلف ممکن است، هرگونه تغییری در کتاب و در عنوان کتاب مصداق خیانت در امانت است. نویسندگان ما و مصصحان ما در این صد سال اخیر از این کارها زیاد کرده اند. به عنوان مثال محمد

دبیرسیاقی "سفرنامه حاج عبدالغفار نجم الملک را که از سوی ناصرالدین شاه برای برآورد خسارت سد اهواز به این خطه آمده بود و او نتیجه مشاهدات خود را در کتابی به نام "سفرنامه عربستان" گردآوری کرده بود، در سال 1341 تغییر نام می دهد و نام آن را "سفرنامه خوزستان" می گذارد (حاج عبدالغفار نجم الملک، "سفرنامه خوزستان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، مؤسسه مطبوعاتی علمی).

همچنین اخیراً مشاهده شده است که کتاب "جنگ ایران و انگلیس در محمره" که گزارش مشاهدات یاور فراهانی از حوادث آن جنگ است و کتاب مزبور در بهار سال 1357 ش توسط انتشارات پایپروس چاپ شده بود، در سال 1382 توسط نشر انزان با نام "جنگ ایران و انگلیس در خرمشهر" چاپ و منتشر شده است. بیچاره یاور فراهانی که اصلاً به عمرش کلمه خرمشهر را نشنیده بود!!! از همه بدتر این است که نام مؤلف را خانلر میرزا احتشام الدوله نوشته اند. حال آنکه کتاب مزبور شرح ترس و جبن و فرار خانلر میرزا، عموی ناصرالدین شاه است. این کتاب یکی از منابع من در تألیف کتاب "پانصدسال تاریخ خوزستان" بوده است. بدبختی این است که مدیر انتشارات انزان اصالتاً از ایزده و بزرگ شده شهر اهواز بود. من او را می شناختم و با برخی هم ولایتی های ما دوستی نزدیک داشت، او دو سه سال پیش فوت شدند. خدا رحمت کند ایشان را.

اما مورد دیگر این است که کریستن سن در صفحه 235 کتاب درباره ازدواج با محارم در عهد ساسانیان چنین می نویسد "... ولی باید دانست که ازدواج با اقارب به هیچ وجه زنا محسوب نمی شد، بلکه عمل ثوابی بود، که از لحاظ دینی اجری عظیم داشته است. محتمل است که قول هیون تسیانگ چینی در اوایل قرن هفتم میلادی، که گوید ازدواج ایرانیان عصر او بسیار آشفته است، ناظر به همین رسم باشد." رشید یاسمی در پانویست توضیحی بدین شرح آورده است " مترجم می گوید هرچند این قسمت درخور حذف بود، ولی چون حتی المقدور مایل به افکندن هیچ مطلبی از اصل نیستیم و توضیحاتی هم ضرورت داشت، آن را باقی گذاشتیم."

ملاحظه می شود که رشید یاسمی به خود حق می دهد که اگر مطلبی را باب میل خود در کتاب اصلی ندید، آن را "درخور حذف" بداند و از ترجمه حذف کند. با این حساب چه اطمینانی هست که او امانتداری کرده باشد و مطالبی را در ترجمه این کتاب حذف نکرده باشد؟ او در جمله فوق از لفظ " حتی المقدور" استفاده کرده است، یعنی اینکه اگر حذف مطلبی را از نظر خود "نامقدور" بداند، شایسته حذف شدن است.

حقیقت مطلب این است که نگارنده حتی در ترجمه کتاب شک دارم و تا زمانی که یک نفر مترجم فرانسوی چیره دست و غیرمتعصب ترجمه او را با متن اصلی مطابقت ندهد، نمی توان به ترجمه رشید یاسمی مطمئن بود. نمی دانم کریستن سن از واژه "ازدواج با محارم" استفاده کرده یا ترجمه درست است و "ازدواج با اقارب" است؟ حتی ترجمه نوشته هیون تسانگ چینی یعنی "ازدواج ایرانیان عصر او بسیار آشفته است" این هم مشکوک است. چون آشفستگی برای ازدواج، صفت درستی نیست و اصلاً ازدواج، آشفته یعنی چه؟

به هر حال این رویه یعنی خیانت در امانت، تحریف، جعل، کذب به ویژه در مطالب تاریخی در میان بسیاری از نویسندگان متداول بوده و هنوز هم گاه و بیگاه دیده می شود. کار برخی از آن ها به شیادی و فریبکاری می رسد.

ابراهیم پورداوود یکی از آن‌ها است. سعید نفیسی هم یکی دیگر از آن‌ها است. عبدالحسین زرین کوب در دو قرن سکوت گوی سبقت را از پورداوود ربوده است.

به یاد دارم چندسال پیش ممیزی از من خواست که یکی از نام‌های جغرافیایی در کتاب "پانصد سال تاریخ خوزستان و نقد کتاب احمد کسروی" را تغییر بدهم و نام جدیدی را جایگزین کنم. من در جواب نوشتم: "من به هیچ وجه خیانت در امانت نمی‌کنم و آنچه در کتاب اصلی آمده عیناً آن را می‌نویسم، بدون یک کلمه کم و زیاد و بدون تغییر یک اسم". حتی به ناشر گفتم اگر این کار به قیمت عدم صدور مجوز کتاب باشد، من حاضرم کتابم چاپ نشود، اما خیانت در امانت نکنم.